

تفاوت‌های بزرگ...

دیگر مثل زمان‌های قدیم نیست که در اصطلاح عامیانه می‌گفتند: «مادر را ببین! دختر را بگیر!». شاید اگر بخواهند این ضرب‌المثل را اصلاح و امروزی‌اش کنند باید بگویند: «شرایط جامعه و دوستانِ پسر و یا دختر را ببین! سَری به شبکه‌های اجتماعی‌اش بزن... بعد نیم‌نگاهی هم به خانواده‌اش ببنداز، حالا می‌توانی بگویی کمی از او را شناخته‌ام!».

این جمله با این که همراه با کمی شوخی بود ولی اغراق شده نیست. امروز آن قدر عوامل مؤثر در به بار نشستن شخصیتِ یک نفر متنوع شده است که با دیدن «چیزی یا کسی» نمی‌توان به شناخت نسبی از یک نفر رسید. حتی تجربه نشان داده که نتیجه تربیتی در یک خانواده برای فرزندان به حدی متفاوت است که گاه به تضاد می‌رسد و باور کردن آن سخت به نظر می‌رسد.

مهم‌ترین دلیل برای این اتفاق شرایط محیطی است که بر افراد تاثیر می‌گذارد. حتی تولد هر کس در دهه خاص، معنایی متفاوت می‌دهد. به همین علت می‌بینم که متولدین دهه‌های شصت و هفتاد و هشتاد تا چه اندازه با هم متفاوت هستند - نه به عنوان یک قاعده و حکم کلی، بلکه به دلیل قرار گرفتن در بسترهای اجتماعی متفاوت، نتایج حاصله نیز متفاوت شده است. دیگر امروز تغییر و تحول اجتماعی به قدری سرعت گرفته که افراد یک خانواده تکرار هم‌دیگر نیستند و هر کدام در محیطی متفاوت رشد می‌کنند و آموزش می‌بینند. این موضوع حتی در سرگرمی‌های افراد در دهه‌های مختلف نیز مشهود است و هر کدام با توجه به تکنولوژی روز، امکانات و علائق‌های خاص دوران خود را داشته و دارند. حتی گاهی دو برادر با اختلاف سن نه چندان زیاد، بازی‌های کودکی یک‌دیگر را نمی‌شناسند و نسبت به هم احساس غریبگی می‌کنند، برعکس قدیم که بازی‌های بچه‌ها طی دهه‌ها یکسان و تکراری بود!

به هر حال قصدم آن بود که از تفاوت به وجود آمده در میان افراد حتی در یک خانواده بگویم و این که اگر قبل‌ها این اختلاف هم وجود داشت، اما هیچ‌گاه به اندازه امروز نبود.

کتاب حاضر بر مبنای سیاق و قلم نویسنده‌ای نوشته شده که توجه او به نکات سنتی در جامعه و خانواده‌های ما قابل توجه و تأمل است. قصه او حرفش را در لابه لای کلمات می‌زند بدون آن که نویسنده دچار شعارهای اخلاقی شود و به شکلی غیرمستقیم خواننده‌اش را به آن هدفی که می‌خواهد سوق می‌دهد.

این نکته‌ای است مثبت که حتماً خواننده حرفه‌ای نیز به آن توجه می‌کند و تفاوت آن را با آثاری پُر از حرف‌های شعارگونه متوجه می‌شود. پس همراه او می‌شویم و از قصه‌ای که لطافت‌های داستانی را به همراه دارد لذت می‌بریم.

بهمن رحیمی

اسفند ماه ۱۳۹۶ - تهران